



فهرست مطالب

مقدمه

۱۱ سخنی با مخاطبان
۱۵ سخنی با مدرّسان

بخش نخست: واژه شناسی / ۲۷

فصل اول: واژه و واژه شناسی ۲۸

۲۹ ۱. ساختار واژه
۳۳ ۲. اقسام واژه
۳۵ ۳. هدف واژه شناسی

فصل دوم: فعل ۴۰

۴۱ ۱. اقسام فعل
۴۴ ۲. صیغه های فعل
۴۵ ۳. ابواب فعل
۴۹ ۴. هیئت های فعل
۵۰ ۱-۴. هیئت ماضی معلوم
۵۱ ۲-۴. هیئت مضارع معلوم

- ٥٣ ٣-٤ . هیئت ماضی مجهول
- ٥٤ ٤-٤ . هیئت مضارع مجهول
- ٥٧ ٥-٤ . هیئت امر معلوم
- ٦٠ ٦-٤ . هیئت نهی معلوم

فصل سوم: اسم ٦٨

- ٦٩ ١ . اقسام اسامی مشتق
- ٦٩ ١-١ . اسم فاعل
- ٧٠ ٢-١ . اسم مفعول
- ٧١ ٣-١ . اسم مکان و زمان
- ٧١ ٤-١ . صفت مُشَبَّهه
- ٧٢ ٥-١ . صفت تفضیل
- ٧٣ ٦-١ . اسم آلت
- ٧٣ ٧-١ . اسم مبالغه
- ٧٣ ٨-١ . مصدر
- ٧٩ ٢ . اقسام اسامی جامد
- ٧٩ ١-٢ . اسامی معین
- ٧٩ ٢-٢ . اسامی مبهم
- ١٠٢ ٣ . تقسیمات فرعی اسم
- ١٠٢ ١-٣ . اسم مذکر و مؤنث
- ١٠٤ ٢-٣ . اسم مفرد، مثنی و جمع
- ١٠٨ ٣-٣ . اسم معرفه و نکره

فصل چهارم: حرف ١١٤

- ١١٥ ١ . حروف جرّ
- ١١٦ ٢ . حروف تأکید
- ١١٧ ٣ . حروف نفی
- ١١٨ ٤ . حروف استفهام
- ١١٨ ٥ . حروف مصدری





۱۱۹..... ۶. حروف استقبال

۱۲۰..... ۷. حروف رابط

فصل پنجم: اصلاحات آوایی ۱۲۶

۱۲۸..... ۱. انواع کلمات غیر سالم

۱۲۹..... ۲. نگاهی به قواعد مربوطه

فصل ششم: خاتمه: مروری بر روند فهم یک واژه ۱۳۶

بخش دوم: جمله‌شناسی / ۱۴۵

فصل اول: جمله و جمله‌شناسی ۱۴۶

۱۴۷..... ۱. چستی جمله

۱۴۹..... ۲. هدف جمله‌شناسی

۱۵۱..... ۳. ساختار جمله

فصل دوم: ساختارشناسی جمله ۱۵۶

۱۵۷..... ۱. نقش‌های اصلی جمله

۱۵۷..... ۱-۱. رکن

۱۵۷..... ۱-۲. قید

۱۶۰..... ۱-۳. نقش ساختاری و اعراب

۱۶۳..... ۲. اقسام رکن

۱۶۴..... ۱-۲. ارکان جملات فعلیه

۱۶۵..... ۲-۲. ارکان جملات اسمیه

۱۷۰..... ۳. اقسام قید

۱۷۰..... ۱-۳. قیود جزء جمله

۱۷۷..... ۲-۳. قیود جمله

۱۸۹..... ۴. جملات با الگوی ساختاری ویژه

۱۸۹..... ۱-۴. اسلوب شرط

۱۹۱..... ۲-۴. اسلوب قسم

۱۹۲ ۳-۴. اسلوب ندا

فصل سوم: اعراب ۱۹۸

۲۰۰ ۱. اعراب اصلی

۲۰۱ ۲. اعراب فرعی

۲۰۵ ۳. اعراب محلی

۲۱۱ منابع و مأخذ





فهرست تمارین

۳۷	تمرین اول (ساختار و اقسام واژه).....
۶۴	تمرین دوم (فعل).....
۷۶	تمرین سوم (اسم مشتق).....
۸۷	تمرین چهارم (اسامی جانشین).....
۹۹	تمرین پنجم (اسامی وابسته و استفهام).....
۱۱۰	تمرین ششم (تقسیمات فرعی اسم).....
۱۲۳	تمرین هفتم (حروف).....
۱۳۳	تمرین هشتم (اصلاحات آوایی).....
۱۴۲	تمرین نهم (تمرین کلی واژه شناسی).....
۱۵۴	تمرین دهم (چیستی جمله).....
۱۶۱	تمرین یازدهم (نقش‌های اصلی جمله).....
۱۶۸	تمرین دوازدهم (ارکان جمله).....
۱۷۵	تمرین سیزدهم (قیود جزء جمله).....
۱۸۶	تمرین چهاردهم (قیود جمله).....
۱۹۵	تمرین پانزدهم (جملات با الگوهای ساختاری ویژه).....
۲۰۹	تمرین شانزدهم (اعراب + تمرین کلی جمله‌شناسی).....

مقدمه

حمد و ستایش ازلی و ابدی، خدای را سزاست که نازل کننده قرآن، کتاب هدایت است؛ سلام و تحیات بی منتها، رسول اکرم ﷺ و اهل بیت طاهریین او ﷺ را رواست که حافظان، حاملان، مبینان و مفسران حقیقی قرآن کریم اند. درود و سلام نثار روح بلند حضرت امام خمینی رحمته الله علیه احیاگر طریق مستقیم امامت و ولایت و روان پاک علامه طباطبائی رحمته الله علیه پرچمدار نهضت بازگشت به قرآن. آرزوی طول عمر و سلامتی برای همه آنانی که دغدغه مند مکتب قرآن و عترت اند، به ویژه مقام معظم رهبری دامت الله رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی که به حق پرچمدار این مکتب در دوران کنونی هستند.

قرآن کریم از آن جهت که جاودانی و جهانی است، به زبان مشترک بشریت، یعنی زبان فطرت سخن گفته است؛ زبانی که فهم آن برای همه انسانها میسور است. این زبان فطری، رسا و گویا در ردای عربی، ظاهر گشته و قرآن کریم آن را «عربی مبین» معرفی کرده است؛ زبانی که از یک سو، ریشه در فطرت انسان دارد و از سوی دیگر در کسوت زبان عربی جلوه یافته است. این امر ایجاب می کند که مشتاقان به فراگیری قرآن در آموختن و انس با این زبان همت جدی به خرج دهند. دغدغه مندان گسترش فهم این برنامه جامع هدایت، نباید این تعلیم و تعلم را صرفاً عملی پسندیده قلمداد کنند و آن را امری حاشیه ای بپندارند و از جایگاه بی بدیل آن در گسترش فهم همگانی قرآن غفلت ورزند.

با وجود این ضرورت اساسی، نگاهی به صحنه واقعیت نشان می دهد که زمینه و بستر لازم برای فراگیری زبان قرآن فراهم نیست. منابع موجود ادبیات عرب و آموزش های رایج - آن طور که شایسته است - دردی از مخاطب مشتاق به فهم قرآن دوا نمی کند و ساختارهای حاکم بر این منابع و آموزش ها، درخور فهم متن قرآن کریم به ویژه برای عموم مخاطبان نیست و گاه منجر به دلزدگی آنان نیز می شود. کتاب حاضر با عنوان «زبان وحی مقدماتی» و با چنین دغدغه ای طراحی شده است. این کتاب سعی دارد گامی جهت تسهیل فراگیری زبان قرآن و به تبع، فهم و تدبر در قرآن برای مخاطب عمومی بردارد. این کتاب، جلد اول از ویرایش جدید مجموعه زبان وحی است؛ مجموعه ای که دارای بیش از هفتاد ساله در پژوهش، آموزش و تدریس است و هدف آن ارائه طرحی نو هم در زمینه محتوای ادبیات عرب و هم در روش آموزش آن، جهت فراهم سازی امر فهم قرآن توسط عموم است. جلد اول از این مجموعه - یعنی کتاب حاضر - به مخاطبین مبتدی در زبان عربی اختصاص یافته و جلد دوم آن با عنوان «زبان وحی متوسطه» برای مخاطبینی است که سطح مقدماتی را گذرانده و آماده طی گام های بعدی در این زمینه هستند.

در یک نگاه کلی و عام، مخاطب زبان وحی مقدماتی، فرد مبتدی در ادبیات عرب است؛ البته نه شخصی که هیچ از عربی نمی‌داند و حتی با ابتدائیات این زبان مانند روخوانی متنی مانند قرآن آشنایی ندارد. اگر بخواهیم به صورت خاص مشخص کنیم که کتاب دقیقاً برای چه طیفی مناسب است، باید بگوییم مخاطب اصلی این کتاب، دانشجویان، نخبگان و طلاب مبتدی هستند که هم کم و بیش (مثلاً طی آموزش‌های دبیرستان) با زبان عربی آشنایی اولیه دارند و هم با الفاظ قرآن، انس مقدماتی داشته و نیاز به فراگیری زبان قرآن را عملاً حس نموده‌اند. این بدین معنا نیست که افراد دیگر مثلاً مخاطبان کمتر آشنای با زبان عربی از این کتاب بهره ندارند. ایشان نیز در صورت دقت، پیگیری و تلاش مضاعف، از کتاب بهره‌نسی خواهند داشت. از سوی دیگر حتی افرادی که آشنای با زبان عربی هستند، از این کتاب مستغنی نیستند؛ زیرا برخی از مباحث به سبب ابداعاتی که به همراه دارد، برای ایشان نیز راهگشا و الهام‌بخش است.

با روشن شدن مخاطب کتاب، باید به این پرسش پاسخ داد که چنین مخاطبی چه انتظاری از کتاب حاضر می‌تواند داشته باشد؟ به عبارتی هدف این کتاب چیست؟ در یک جمله، هدف کتاب زبان وحی مقدماتی را می‌توان آموزش چارچوب‌های اولیه و اساسی زبان عربی برای فهم قرآن کریم در دو سطح واژگان و جملات دانست. مخاطب با این کتاب می‌تواند یک مرور سریع و نسبتاً جامع بر مباحث پایه‌ای واژه‌شناسی و جمله‌شناسی قرآنی داشته باشد و در نهایت به شرط تمرین و ممارست، خواهد توانست در فهم واژگان و جملات ساده قرآن و کاربردهای نه‌چندان پیچیده ادبی آن، مجهز به ابزارهای لازم گردد. از این رو مطالب کتاب نه آنقدر مختصر، ساده و پیش‌پاافتاده است که در عمل، کمکی به فهم متن قرآن نکند و نه آنقدر حجیم و پیچیده که به کار فرد مبتدی نیاید.

جهت نیل به هدف پیش‌گفته، لازم بود تا چند رویکرد اساسی در طراحی و تدوین این کتاب چه از جهت محتوایی و چه آموزشی، پیگیری شود. شاید بتوان گفت مجموعه این رویکردها وجه ممیز این کتاب از سایر منابع آموزشی موجود در ادبیات عرب است. این رویکردها عبارتند از:

قرآن محوری: مباحثی که در این کتاب ارائه می‌شود به طور ویژه برای فهم قرآن کریم سامان داده شده‌اند نه لزوماً سایر کتبی که به زبان عربی هستند. از این رو قریب به اتفاق مطالب کتاب، دارای کاربردهای قرآنی است و بر همین پایه، تمام مثال‌ها و نمونه‌های ذیل مباحث نیز از آیات قرآنی استخراج شده است. لحاظ رویکرد قرآن محوری در تدوین این کتاب، منجر به حذف و پالایش بسیاری از استعمالات، اسلوبها، قواعد، استثنائات و برخی موارد دیگری گردیده که علی‌رغم کاربرد در زبان عربی، در قرآن کریم بکار نرفته یا بسیار کم کاربرد است. این امر، خلاصگی اثر و حذف قواعد





پیچیده را موجب شده است. بر این اساس می‌توان به مخاطب اطمینان داد که با مطالعه دقیق این کتاب، گامی واقعی در راستای فهم بهتر قرآن کریم بردارد و نهایتاً احساس کند که بطور ویژه با الفاظ و معانی قرآن ارتباط بهتری برقرار می‌کند. گرچه نباید از نظر دور داشت که فراگیری همین سطح از مباحث، مخاطب را در فهم منابع دینی غیر از قرآن کریم نیز یاری خواهد رساند.

معنای محوری: برخلاف بسیاری از کتب ادبی که عمده هدف خود را معطوف به تجزیه کلمات و ترکیب جملات و شناسایی خصوصیات صوری آنها کرده‌اند، این کتاب با هدف درک معانی واژگان و جملات پایه‌ریزی شده است. از این رو سعی شده گزینش موضوعات و پرداخت به آنها با لحاظ میزان اثرگذاری آنها در درک معنا باشد و از طرح مباحثی که تأثیر معنایی ندارند، پرهیز شود. در همین راستا، در کتاب سرفصل‌هایی گنجانده شده که نگرشی کلی به ساختار واژه و جمله در زبان عربی می‌دهد و بر پایه آن، شیوه مناسب برای فهم واژه و جمله را تبیین نموده و مشخص می‌کند که مخاطب چگونه از دو علم واژه‌شناسی و جمله‌شناسی در این مسیر کمک بگیرد؛ چیزی که معمولاً در کتب رایج یافت نمی‌شود. بر اساس رویکرد معنا محوری، تعاریف و تقسیم‌بندی‌ها تا حد ممکن بصورت مفهومی و از جهت معنایی الهام‌بخش هستند؛ حتی برخی اصطلاحات ساده و قابل فهم، جایگزین اصطلاحات علمی شده تا موجب هر چه مفهومی‌تر شدن مباحث ادبی گردد. رویکرد معنا محوری باعث می‌شود تا با قوت بگوییم که مباحث این کتاب، مخاطب را تا حد ممکن از درگیری بی‌فایده در موضوعات ظاهری و قواعد صوری پیچیده که کاربردی در درک معنای متن ندارد، مصون می‌دارد و ذهن او را به سمت مباحث معنایی ترسوق می‌دهد.

ساده‌سازی: از رویکردهای مورد تأکید در این کتاب، ارائه آسان و روان مباحث بوده است. طرح ساده مطالب، ساده‌سازی مفاهیم پیچیده، پرهیز از مغلط‌گویی و طرح اصطلاحات علمی، استفاده از نمودارهای گویا جهت تفهیم بهتر و مواردی از این دست بازتاب این رویکرد بوده است. همچنین استفاده از ظرفیت‌های مشترک بین زبان فارسی و زبان عربی یکی از راهکارهای مهم برای آموزش ساده‌تر مفاهیم و قواعد زبان عربی بوده است که کمتر در منابع مشابه دیده می‌شود. به هر ترتیب ادعا نمی‌کنیم که متن و نگارش کتاب به ساده‌ترین شکل ممکن برای عموم مخاطبان است، اما مخاطب می‌تواند مطمئن باشد که دست کم، محتواها و مفاهیم علمی و گاه دقیق، تا جای ممکن به مفهومی ساده و قابل فهم تبدیل شده است. جنبه دیگر از رویکرد ساده‌سازی، تأکید بر خلاصه بودن مطالب کتاب است. سعی شده است مباحث دو علم وسیع واژه‌شناسی و جمله‌شناسی، بصورت خلاصه و به میزان ضرورت طرح شوند تا مخاطب مبتدی بتواند به آسانی و با صرف وقتی نه چندان زیاد، از پس

آن برآید.

کاربردی‌سازی: دغدغه داشته‌ایم که کتاب در عمل برای مخاطب مفید و کاربردی باشد. از این رو در پرداخت به مباحث، اولویت با مواردی بوده که مخاطب مبتدی واقعاً در آغاز به آنها نیاز دارد. از سوی دیگر، بکارگیری مثال‌ها در جای جای کتاب، به کاربردی‌سازی آموزش‌ها یاری رسانده است. همچنین تنظیم تمارین ساده قرآنی و کاربردی بعد از هر مبحث مهم - البته به میزانی که حجم مختصر کتاب اقتضاء می‌کرد- خصوصیت قابل توجهی است که عملی شدن آموخته‌های مخاطب را ممکن کرده است.

نظام‌مندسازی: پرهیز از تشتت و پراکندگی مطالب، رویکرد دیگر در نگارش مطالب بوده است. بکارگیری ساختاری گویا و منظم در سرفصل‌ها، نام‌گذاری گویای فصول و مفاهیم یک دغدغه محوری بوده است. می‌توان ادعا کرد که مخاطب با ملاحظه دقیق فهرست کتاب، به درکی کلی از مباحث ادبیات عرب در سطح مقدماتی دست می‌یابد. در همین راستا، استفاده از نمودارهای متعدد و جداول جهت جمع‌بندی و سامان‌دهی مطالب در ذهن مخاطب نیز سرلوحه کار ما بوده است.

امید داریم با اتخاذ این رویکردها، مخاطب کتاب بتواند گام ابتدایی را در زمینه فراگیری زبان قرآن بردارد و در صورت علاقه، آماده آموختن مطالب تکمیلی و آموزش‌های بعدی گردد. لازم به ذکر است با وجود تلاش زیاد جهت آموزشی‌سازی مطالب، کتاب پیش‌رو کتابی خودآموز نیست. برای استفاده کامل و تام از کتاب، حضور یک مدرس آشنا به ادبیات عرب و مأنوس با قرآن کریم برای فرد مبتدی اجتناب‌ناپذیر است؛ گرچه این‌طور هم نیست که کتاب بدون استاد، توصیه نشود یا اصلاً مفید نباشد.

در پایان ذکر دو نکته ضروری برای مخاطب عزیز مفید است. نکته اول اینکه سعی شده برای بیشتر آیات استفاده شده در متن کتاب، ترجمه‌ای روان و ساده در پاورقی ارائه شود. متن اولیه این ترجمه از ترجمه جناب آقای صفوی براساس تفسیر شریف المیزان گرفته شده و توسط نگارندگان مورد ویرایش قرار گرفته است. البته مخاطب باید توجه کند که مراجعه به ترجمه آیات، وی را از برخی مراجعات لازم به سیاقی که آیه مورد نظر در آن قرار گرفته است، بی‌نیاز نمی‌کند. نکته دوم آنکه پاورقی‌های کتاب عمدتاً برای اساتید، مدرسین و یا کسانی که آشنایی بیشتری با ادبیات عرب دارند، مفید است اما در موارد محدودی، پاورقی‌ها برای مخاطب عادی کتاب نیز ممکن است مفید باشد، آنجا که معانی برخی واژگان یا برخی توضیحات اضافی، جهت تفهیم مطلب ذکر شده است.



به پشتوانه دلایل روشن عقلانی-وحيانی، از سال‌ها پیش معتقد بودیم که فهم و تدبر در قرآن - با مراجعه مستقیم به متن آن - امری همگانی و قابل گسترش در میان طیف‌های مختلف جامعه است. در این بین راهبرد اصلی رسیدن به این آرمان را نیز «آموزش زبان قرآن» به معنای گسترده آن^۱ می‌دانستیم. اما وضعیت کنونی جامعه ما با آرمان مذکور و راهبرد بیان شده فاصله زیادی دارد. امروزه تلاش برای آموزش قرآن، یا در آموزش نحوه قرائت الفاظ آن، خلاصه شده و یا در ارائه صرف محتوای قرآن در قالب‌هایی چون ترجمه، تفسیر، تدبر و... نمود یافته است. گرچه در مدارس یا برخی مؤسسات و کلاس‌های قرآنی به آموزش زبان عربی پرداخته می‌شود، اما این آموزش‌ها به دلیل مشکلات ساختاری که دچار به آن است^۲، نتوانسته منجر به یادگیری زبان قرآن شود. با این حال، ما معتقدیم می‌توان با اتخاذ سیاست راهبردی آموزش زبان قرآن و پایمردی بر آن و تلاش در راستای محقق کردن آن، به آرمان مذکور هر چه نزدیکتر شد.

حرکت در مسیر راهبرد مذکور، کاری است طولانی‌مدت و نیازمند جریانی وسیع و پرتعداد؛ اما به هر ترتیب باید هر شخص و گروهی بخشی از آن را عهده‌دار شود. آنچه ما با بضاعت محدودمان می‌توانستیم در این مسیر انجام دهیم، شروعی بود برای بازخوانی و تدوین دوباره ساختار و محتوای ادبیات عرب با هدف سازگارسازی آن برای فهم تدبری قرآن و برای مخاطبی که با زبان عربی آشنایی دارد. به زعم ما، این اولین گام برای رسیدن به آرمان پیش گفته بود. این تلاش در چاپ و ویرایش اول کتب زبان وحی در دو جلد واژه‌شناسی و جمله‌شناسی در حدود سال ۱۳۹۴ به ثمر نشست. آن کار متناسب با هدفی که داشت، توانسته بود سامانه‌ای جدید از مباحث ادبیات عرب را با ابداعاتی در محتوا، برای تقویت فهم و تدبر در قرآن به دانشجویان و نخبگان ارائه کند. ارزیابی ما این بود که کار مهمی در این عرصه انجام شده است؛ زیرا تا به حال آنچه در ارتباط با فهم زبان قرآن تدوین شده بود، یا تنها به ساده‌سازی و خلاصه‌سازی مباحث ادبی معطوف بود و یا آثاری بود برای آشنایی با ترجمه برخی لغات و عبارات قرآنی. آنچه نبود و نیاز

۱. یعنی نه صرفاً آموزش صرف و نحو عربی، بلکه آموزش فهم متن قرآن از طریق انس با قرآن و یادگیری زبان آن در سطوح واژه‌شناسی، جمله‌شناسی و متن‌شناسی.

۲. در بخش سخنی با مخاطبان به این مشکلات اشاره کردیم.

بدان احساس می‌شد، اثری بود که بصورت ریشه‌ای و ساختاری، مباحث علم ادبیات را برای آموزش عمومی بازخوانی کند و در مواضع نیاز، با جسارت به تغییر، اصلاح یا بازتدوین آن بپردازد. این کتب توانسته بود در اندازه خود به این هدف دست یابد. کتب زبان وحی گرچه ادعای نظریه‌پردازی نداشت، اما خبر از امکان ارائه طرح‌ها و الگوهای جدید علمی و متفاوت در زمینه مباحث ادبیات عرب می‌داد که در عین حال، ساده و برای عموم قابل فهم نیز باشد؛ خبری خوش از اینکه می‌توان در عین حفظ اتقان و اعتبار علمی، با جرئت برخی ساختارهای معیوب علمی و آموزشی را تصحیح کرد. به هر ترتیب انتشار این کتب تحقق‌پذیری این ایده را نوید داد که به جای ارائه صرف محتوای قرآن، دست کم می‌توان به نخبگان و دانشجویان، روش مواجهه و زبان ارتباط با قرآن را آموزش داد.

کتاب‌های ویرایش اول، به طرق مختلف و در سطوح مختلفی بین دانشجویان و طلاب تدریس شد و به دست چند تن از اساتید حوزوی و دانشگاهی و حتی برخی از دبیران عربی رسید. نظرات این طیف‌ها، حاکی از موفقیت این اثر بود. گرچه ما خود به نقائص آن واقف بودیم و می‌دانستیم که باید در گام‌های بعدی اصلاح و ارتقاء یابد. یکی از مهمترین اشکالات در ویرایش اول، تفکیک نشده بودن مطالب مطابق با سطوح مخاطبان بود. برخی مطالب می‌توانست برای افرادی که میزان کمی با عربی آشنایی دارند مفید باشد، اما برخی دیگر برای متوسطین از مخاطبان مناسب بود و برخی از آنها تنها برای متخصصین ادبی معنا و مفهوم داشت. البته در گام اول چاره‌ای جز تلفیق نبود و اساساً هدف ما از تألیف ویرایش اول، تحصیل و آزمون اصل ایده بود، نه متناسب سازی کامل آن با مخاطب. به هر حال، تجربه عینی چند ساله از کار با کتب زبان وحی و تدریس آن در کنار دوره‌های نخبگانی و مهارتی تدبیر در قرآن، متقاعدمان کرد که ویرایش جدید این کتابها را به جای تفکیک براساس معیار دو تایی واژه‌شناسی-جمله‌شناسی، با تفکیک براساس سطح مخاطب طراحی کنیم. اینطور بود که ایده نگارش ویرایش جدید، در قالب دو مرحله: «زبان وحی مقدماتی» و «زبان وحی متوسطه» قوت گرفت.

کار را با گزینش و استخراج برخی از مطالب ویرایش اول کتب زبان وحی و آوردن آنها در قالب جزوه‌ای با عنوان «زبان وحی مقدماتی» آغاز کردیم. در این جزوه یک دوره از مباحث واژه‌شناسی و جمله‌شناسی مطرح شده بود. این مباحث برای یک دانشجو یا





طلبه مبتدی مناسب بود که بسته گریخته از ادبیات عرب مطالبی شنیده، اما می‌خواهد آن‌ها را مرور کند، ارتقاء دهد و برای تدبر در قرآن بکار گیرد. این جزوه در چند دوره تدریس شد و تناسب بیشتر آن با این دسته از مخاطبان به اثبات رسید. پس از این بود که تصمیم گرفتیم تا تدوین و بازنویسی جلد دوم این مجموعه یعنی «زبان وحی متوسطه» را نیز آغاز کنیم. تکمیل و نهایی سازی جزوه زبان وحی مقدماتی در قالب کتاب و بازنویسی زبان وحی متوسطه تا حدودی در تعامل و بده و بستان با هم جلو رفت تا آنکه نهایتاً چاپ جلد اول این مجموعه یعنی کتاب زبان وحی مقدماتی به تحقق پیوست و آنچه پیش روی شماست، منتشر گردید.

مطرح کردن این زمینه و تاریخچه، شاید کمی مخاطب را با فضایی که منجر به تولید این اثر شده، آشنا کرده باشد. به پشتوانه این توضیحات، در ادامه بر جلد اول مجموعه زبان وحی، یعنی زبان وحی مقدماتی متمرکز شده و به این می‌پردازیم که زبان وحی مقدماتی دقیقاً چیست و چه می‌کند. این موضوع را ذیل چند بحث ارائه می‌دهیم:

بحث اول، پیرامون **مخاطب** کتاب زبان وحی مقدماتی است. در یک نگاه کلی، مخاطب این کتاب فرد مبتدی در ادبیات عرب است. این در حالی است که مخاطب کتاب متوسطه، فردی است که در حد مقدماتی با زبان عربی آشناست و علاوه بر آن، انس و ارتباط مستمری با قرآن کریم دارد. مبتدی بودن مخاطب کتاب بدین معنا نیست که شخص هیچ دانسته‌ای از زبان عربی نداشته باشد؛ زیرا در مواردی به برخی داشته‌های پراکنده و اولیه مخاطب نسبت به زبان عربی اتکاء شده است و اگر وی با بعضی مفاهیم ادبی اولیه آشنا نباشد، ممکن است میزان توضیحات کتاب کفایت نکند. بنابراین کتاب را باید هم‌افق با دانشجویان، نخبگان و طلاب مبتدی بدانیم که هم کم و بیش (مثلاً طی آموزش‌های دبیرستان) ولو کم‌رمق با زبان عربی آشنایی یافته‌اند و هم در دوره‌های تدبر در قرآن، با الفاظ و عبارات قرآنی انس اولیه داشته و واجد دغدغه و ذوق فراگیری زبان قرآن هستند. گرچه این بدین معنا نیست که سایر افراد از کتاب بهره ندارند. بخش وسیعی از این کتاب می‌تواند برای مخاطبان عمومی که داشته عربی ندارند، مفید باشد و حتی برخی ساختارها، تحلیل‌ها و نکات آن برای مدرسین و متخصصین نیز الهام‌بخش.

بحث دوم، **هدف** این کتاب است. هدف محتوایی کتاب زبان وحی مقدماتی را در یک جمله می‌توان آموزش چارچوب‌های اولیه و اساسی زبان عربی قرآنی برای فهم واژگان و

جملات دانست. این امر بر بستر طرح یک سری از مفاهیم ابتدایی و پایه و معرفی برخی مصداق و کاربردهای ساده همین مفاهیم پیگیری شده و برونداد آن شکل‌گیری یک ادبیات منسجم برای یادگیری زبان عربی در ذهن مخاطب خواهد بود. می‌دانیم این مفاهیم و ادبیات پایه، هم دارای جنبه‌های لفظی و صورت‌شناسانه است و هم جنبه‌های معناشناسانه. در این میان سعی شده مباحث صوری و لفظی مورد نیاز برای فهم واژگان و جملات، تا حد ممکن در کتاب مقدماتی طرح شود و زوایای معنایی مربوطه به کتاب متوسطه موکول شود؛ زیرا فهم معانی متوقف بر شناخت هیئت‌ها و صورت‌هاست و صورت‌شناسی صحیح مقدمه ای برای گام‌های بعدی در عرصه معناشناسی و فهم دقیق‌تر معانی دانست. از این رو در این کتاب، مانور بر مباحث لفظی بیش از جولان در مباحث معنایی است و در عرصه معنا به چارچوب‌های کلی اکتفاء شده است.^۱ گرچه برخی بحث‌های لفظی و صوری که ماهیتاً نیازمند تفصیل بوده و با فضای این کتاب هماهنگی نداشته، به کتاب متوسطه منتقل شده‌اند.^۲ از آنچه گفته شد، مشخص می‌گردد که این کتاب می‌تواند بستر مهمی برای زبان وحی متوسطه باشد؛ زیرا در اینجا چارچوب‌های واژه‌شناسی و جمله‌شناسی در ذهن مخاطب نقش بسته، شبکه مفاهیم و ادبیات پایه تثبیت شده، قدرت تشخیص صورت‌ها و هیئت‌های اصلی تأمین شده و حتی برخی مصداق‌های ساده کاربردی نیز دیده شده است. چنین فردی می‌تواند با ورود به کتاب زبان وحی متوسطه، با تفصیلات هیئت‌ها و صورت‌ها دم‌خور شود، با زیر و بم معانی واژگان و جملات انس بگیرد و در یک کلام بطور جدی‌تری در فهم واژگان و جملات قرآن کریم قدم بردارد.

بحث سوم، **رویکرد محتوایی** این کتاب است. محقق نمودن هدف پیش‌گفته، صرفاً با نقل و تکرار همان مطالب رایج در کتب ادبی و تنها خلاصه‌سازی و ساده‌سازی آن امکان تحقق نداشته است. از این رو سه ملاحظه و رویکرد اساسی دنبال شده که موجب تفاوت اساسی این کتاب با موارد مشابه گردیده است. در ادامه توضیحی پیرامون این سه رویکرد ذکر می‌کنیم و در پاورقی نیز

۱. برای مثال، بحث هیئت‌های فعل تقریباً بطور کامل در این کتاب مطرح شده است؛ اما تفصیلات معنایی آنها مانند معانی تفصیلی ماضی و مضارع و ابواب مزید به زبان وحی متوسطه واگذار شده است. همچنین به معنای نقش‌های ساختاری در حد تعریف آنها پرداخته شده، اما تفصیلات معنایی آنها مانند انواع مفعول له، حال، مفعول مطلق و استثناء مورد اشاره قرار نگرفته است.

۲. مانند تفصیل بحث اعلال در واژه‌شناسی و همچنین بحث حالات نقش ساختاری از حیث مفرد، مرکب یا جمله بودن در جمله‌شناسی.

مصادیقی از آنها را بازگو خواهیم نمود:

فهم محوری (ادبیات برای فهم متن نه ساخت متن)

توانایی فهم یک متن با توانایی ساخت آن یکسان نیست. گرچه این دو در تعامل با هم هستند، اما دو ساحت جداگانه را شکل داده و زیرساخت‌های متفاوتی طلب می‌کنند. مهارت ساخت یک متن به جهت حیثیت فعالانه آن، نسبت به مهارت فهم متن (که حیثیت منفعلانه دارد) سخت‌تر و نیازمند آموزش‌های وسیع‌تر است. فرد در فهم یک متن، با بستری آماده مواجه است که باید به معانی پس آن پی ببرد؛ اما در ساخت یک متن، علاوه بر قابلیت فهم معانی، باید بتواند الفاظ و جملات را به درستی بکار برد و متنی از نو تولید کند که به آن معانی دلالت کند. کتب ادبیات عرب، عمدتاً با این دید نگارش شده‌اند که مخاطب آنها هم توانایی فهم متن پیدا کند و هم توانایی ساخت متن. از همین رهگذر است که هدف از علم صرف را هم کلمه‌شناسی و هم کلمه‌سازی و فایده علم نحو را هم قدرت بر ساخت جملات و هم قدرت بر فهم آنها می‌دانند.^۱ این پیش‌فرض برای کتبی که هدف آنها هم توانمندسازی در فهم متن است و هم ایجاد مهارت ساخت متن، طبیعی است؛ اما وقتی هدف فهم متن قرآن است (نه ساخت و نگارش متن عربی)، می‌توان بر مهارت فهم متن متمرکز شد و تنها به دایره‌ای از مباحث اکتفاء کرد که برای این کار نیاز است و از مسائل مربوط به ساخت و نگارش متن صرف‌نظر نمود. ما تلاش کرده‌ایم تا این ملاحظه را تا حد ممکن در این کتاب بکار بندیم. ادعا نمی‌کنیم که بطور کامل در این امر موفق بوده‌ایم، اما دست کم اقداماتی را برای آن سامان داده‌ایم. لذا در تفصیلات ساختی واژگان و جملات به بیانی موجز اکتفاء کرده و از دمیدن در این دست موضوعات پرهیز نموده‌ایم.^۲ در برخی موارد نیز سعی شده است از اساس به جای پرداختن به قواعد نحوه ساخت، فرآیند بصورت معکوس قاعده‌سازی

۱. به عنوان نمونه رک. صرف ساده، طباطبایی، ص ۵۰ و بدائة النحو، صفائی بوشهری، ص ۳۰

۲. به عنوان نمونه، بحث اعراب یک موضوع کلیدی در کتب نحوی موجود است و ساختار مباحث بر آن بنا شده است. دلیل این امر نیز این است که فرد برای ساخت یک متن، باید تمام کلمات را اعراب صحیح بدهد و این مستلزم فراگیری تفصیلی مباحث اعراب و تطبیق آن بر تمام انواع کلمات است. اما برای فهم یک متن، اعراب تنها قرینه و کمکی است بر تشخیص نقش‌های ساختاری و نه بیشتر. از این رو بحث اعراب بطور مجمل و در حد یک فصل فرعی و بعد از طرح مباحث جمله آمده است؛ همین نکته در مورد نواسخ جمله اسمیه هم وجود دارد. پرداخت کوتاه به این موضوع در این کتاب به همین دلیل است؛ همچنین در بحث صورت‌های فعل، تأکید زیادی بر نحوه ساخت افعال (مثلاً ساخت مضارع از ماضی) نشده و بیشتر بر صورت‌های نهایی تمرکز شده است؛ به همین شکل، بحث هماهنگی فعل با فاعل، صفت با موصوف، حال با ذوالحال و... که برای ساخت متن مسئله مهمی است اما برای فهم متن تنها در حد یک قرینه برای تشخیص نقش هاست، بصورت کمرنگ مطرح شده است؛ و...



شود و قواعد فهم طرح شود، نه قواعد ساخت.^۱ بازتاب دیگر این رویکرد در نوع تمارینی است که برای کتاب در نظر گرفته شده است. قریب به اتفاق این تمارین، معطوف به تقویت مهارت فهم یک واژه یا جمله استعمال شده هستند و نه ساخت واژه یا جمله جدید.

معنامحوری (ادبیات برای درک معنا نه تجزیه و ترکیب)

واقعیت آن است که بسیاری از کتب ادبی و به ویژه برخی از آنها که هدفشان آموزشی سازی و ساده سازی است، به کتاب راهنمای تجزیه و ترکیب تبدیل شده اند. منظور از تجزیه و ترکیب یک نوع شناخت صوری و صرفاً علمی از واژگان و مشخصات شناسنامه ای آنها و همچنین نقش های ساختاری و اعراب و قواعد آنهاست. در این مدل از آموزش عربی، فرد می تواند ماهر در تجزیه و ترکیب باشد، اما در فهم متن و عبارات آن مبتدی باشد! حال آنکه هدف، تقویت مهارت درک معنای متن است، نه شناخت دقیق و تفصیلی صورت الفاظ متن. البته با نگرارش برخی متون و کتب معاصر با محوریت معانی، روزه های امید ی به چشم می آید، اما جریان رایج و حاکم بطور شایسته تغییر نکرده و همچنان معنا و معناشناسی تحت الشعاع است. کتاب حاضر سعی نموده است خود را از قالب های سفت و سخت کتب ادبی و فضای سنگین آنها آزاد کند و تا حد ممکن، مباحث ادبی را از زاویه درک معنا بازخوانی و بازتدوین نماید. بازتاب این رویکرد را در جای جای این کتاب می توان یافت. چه آنجا که بحثی آمده و چه آنجا که نیامده است! روشن ترین جلوه این رویکرد - که در همین حد نیز در کتب موجود کمتر یافت می شود - در نظر گرفتن یک فصل برای توضیح ساختار واژه و جمله و تأثیر آن در نحوه فهم معنای آنهاست. جلوه دیگر این رویکرد را در نپرداختن و پرو بال ندادن به موضوعاتی باید دانست که تأثیری چندانی در درک معنای متن نداشته اند، هر چند به عنوان سرفصل مهمی در علم صرف و نحو مطرح بوده اند.^۲ در مقابل، بعضی سرفصل ها که اتفاقاً در کتب رایج مورد توجه کمتری قرار گرفته اند، در اینجا ضریب یافته و بطور ویژه تری مطرح شده اند، تنها به

۱. به عنوان نمونه، در بحث صورت های فعل و در بحث اعلال، سعی شده است طی دو جدول، قواعدی برای رسیدن از صورت نهایی کلمه به نوع کلمه ارائه شود.

۲. به عنوان نمونه، بحث معرب و مبنی و معرفه و نکره بصورتی محدود و در حد نیاز مورد بحث واقع شده است. اعراب تقدیری سرفصل مجزایی ندارد؛ زیرا تفکیک آن از اعراب محلی تأثیری در فهم نقش ها و جمله ندارد و تفاوت آنها ناشی از یک نکته ظریف علمی است؛ همچنین نقش بدل، عطف بیان و تأکید نیز از هم تفکیک نشده است، زیرا تأثیر معنایی ویژه ای دست کم در سطح این کتاب ندارد؛ و...



این دلیل که تأثیر قابل توجه در درک معنا دارند.^۱ یکی از بازتاب‌های اساسی این رویکرد، در ساختار مباحث، نوع تقسیم‌بندی‌ها و حتی نامگذاری‌ها خود را نشان داده است.^۲ مخاطب در این کتاب با برخی تقسیمات متفاوت، نام‌های جدید و ساختارهای بدیل، مواجه خواهد شد که وی را در رسیدن به پشت صحنه معنایی الفاظ، یاری می‌کند. شاید بتوان گفت این امر از مهمترین نوآوری‌های این کتاب بوده است. نکته نهایی آنکه چینه‌بندی مباحث کتاب نیز چه در کلیات و چه در جزئیات، براساس تأثیر آن در معنا بوده است. مباحث مهم‌تر از این حیث، مقدم و موضوعات فرعی، مؤخر گردیده‌اند.^۳

قرآن محوری (ادبیات برای فهم قرآن نه سایر منابع)

آموزش‌های مرسوم، بین زبان قرآن و زبان عربی به معنای عام آن از دو جهت تفاوتی نمی‌گذارند: نه توجه دارند که قواعد و ساختارهای علمی و فنی زبان قرآن در مقام ثبوت، با قواعد زبان عربی تفاوت‌هایی دارد و نه حتی این نکته را لحاظ کرده‌اند که دایره استعمالات قرآن در بین انواع صورت‌ها و معانی و قواعد و ضوابط، در مقام اثبات، دارای گستره بسیار محدودتر از استعمالات عام عربی است. در این کتاب به این دو موضوع توجه مضاعفی صورت گرفته است. اجازه بدهید به تناسب کتاب مقدماتی، تنها به موضوع دوم بپردازیم و بازتاب آن

۱. برای نمونه، دروازه‌شناسی به بحث جامد و مشتق‌بهای زیادتری نسبت به کتب رایج داده شده و یا به بحث حروف و معانی آنها بصورتی مختصر پرداخته شده است؛ امری که کمتر در کتب صرفی دیده می‌شود و غالباً در کتب تخصصی یافت می‌شود. همچنین به بحث معانی ابواب مزید بصورتی خلاصه و مناسب مخاطب کتاب پرداخته شده است. در بخش جمله‌شناسی نیز به این نکته توجه شده است. به عنوان نمونه، شاکله بحث بر مبنای نگاه ساختاری به جمله (که شدیداً به درک معنایی مباحث نحوی کمک می‌کند) ریخته شده و تمام نقش‌ها براساس تقسیم رکن و قید طرح شده است و حتی بحث اعراب با آن تطبیق شده است؛ در حالی که بحث رکن و قید بطور ضمنی و آن هم در حد کلی در آثار نحوی دیده می‌شود. نمونه دیگر پرداختن به بحث اسلوب شرط است که معمولاً جایگاه روشنی در کتب نحوی ندارد، اما به دلیل کاربرد زیاد آن، در این کتاب بدان پرداخته شده است؛ و...

۲. برای مثال در بحث واژه‌شناسی، مینا قرار دادن تقسیم جامد و مشتق و به حاشیه راندن تقسیمات دیگر اسم و فعل، به دلیل این نکته است که اصلی‌ترین موضوع برای درک معنای واژه، توجه به جامد یا مشتق بودن آن است، در حالی که مثلاً مذکر یا مؤنث بودن اسم یا معرفه و نکره بودن آن ربط بدوی به فهم معنای آن ندارد. اما در کتب صرفی غالباً به ذکر تقسیمات مختلف فعل و اسم در عرض هم پرداخته می‌شود و گویی هدف از آن تعیین چک لیستی از مشخصات یک واژه است! همچنین در بحث جمله‌شناسی نیز اساس طرح نقش‌ها و تقسیمات براساس یک رویکرد معنایی است نه بحث صوری اعراب؛ و...

۳. برای مثال در بحث اسم، به جای معرفی تقسیم‌بندی‌های مختلف اسم، بدنه اصلی بحث بر محور اسم جامد و مشتق پایه‌ریزی شده و تنها برخی تقسیماتی که تا حدودی در درک معنا مهم است، در انتها و ذیل قسمت تقسیمات فرعی اسم مطرح شده است و ...

را در کتاب مرور کنیم و بحث اول را به کتاب متوسطه بسپاریم. اولاً می‌دانیم بسیاری از لغات، اوزان، استعمالات، اسلوبها، قواعد و استثنائات رایج در زبان عربی، در قرآن کریم به کار نرفته است یا بسیار کم کاربرد است. لذا این دسته موارد پالایش شده و آنچه طرح گردیده تماماً مورد استفاده در کاربردهای قرآنی است.^۱ این مطلب در خلاصه شدن کار و حذف قواعد پیچیده و تسهیل آن برای عموم مخاطبان نقش بسزایی داشته است. ثانیاً تعاریف و قواعد به نحوی بیان شده که با کاربردهای قرآنی تناقض نداشته و هماهنگ باشد. از این رو قواعد مرسومه که با زبان برین قرآن همخوانی نداشته، یا حذف گردیده یا به نحو سازگار بیان شده است.^۲ این نکته در تغییر صورت بعضی از قواعد و روان شدن آنها مؤثر بوده است. ثالثاً اولویت‌بندی در طرح مباحث و میزان پرداخت به آنها و به ویژه کاربردی سازی آنها در قالب مثال‌ها حتی الامکان هماهنگ با میزان کاربرد آنها در قرآن کریم بوده است؛ از این رو مثال‌های ارائه شده در سرتاسر کتاب، عمدتاً از کاربردهای رایج قرآنی انتخاب شده است، نه موارد کم کاربردتر.

بحث چهارم را اختصاص می‌دهیم به **رویکردهای آموزشی** این کتاب. همانطور که گذشت، هدف کتاب حاضر آموزش به فرد مبتدی در ادبیات عرب است، نه یک شخص مسلط و از این رو ملاحظات آموزشی اهمیت بیشتری خواهد داشت. رویکردهای آموزشی کتاب را در سه محور می‌توان خلاصه نمود:

ساده‌سازی

سعی شده است ملاحظات اتخاذه شود که آموختن را برای مخاطب فوق هر چه بیشتر آسان کند. ارائه ساده مباحث و ساده‌سازی مفاهیم پیچیده، روانی در نگارش و پرهیز از مغلق‌گویی و طرح اصطلاحات علمی، بیان خلاصه و موجز، پرهیز از توضیحات بیهوده، پرهیز از طرح تفصیلات و شقوق مطالب، استفاده از نمودارهای گویا جهت تفهیم بهتر و ماندگاری بهتر در ذهن و مواردی از این دست، بازتاب این رویکرد در کتاب حاضر بوده است.

۱. به عنوان نمونه، در بحث حروف و اسامی جامد مبهم، سعی شده به مواردی اشاره شود که در قرآن کاربرد دارد و نه همه موارد. لذا در تقسیم اسامی اشاره به نزدیک، متوسط و دور، مورد دوم به دلیل کاربرد نداشتن در قرآن مطرح نشده است؛ یا در اوزان اسامی مشتق، مواردی که کاربرد قرآنی بسیار کمی دارد ذکر نشده است؛ مانند وزن فعلان مصدر، یا وزن مفعیل به عنوان اسم آلت؛ یا بحث اسم مصغر به دلیل نادر بودن آن در قرآن به طور کلی اشاره نشده است؛ یا بحث تمییز مفرد به دلیل استعمال کم آن ذکر نشده است؛ یا چهار حالت بناء و اعراب اسامی دائم الاضافه در قرآن، تنها در دو حالت کاربرد دارد و به همان اکتفاء شده و ...

۲. به عنوان مثال، در قواعد اعلال، کاربردهای قرآنی منظور بوده نه همه کلمات معتل ممکن در زبان عربی؛ و ...

کاربردی سازی

دغدغه داشته ایم که مباحث کاربردی باشد و مخاطب با مطالعه کتاب احساس کند که محتوا برایش مفید بوده و در مواجهه با متن قرآن کریم، به کارش خواهد آمد. در این راستا در طول کتاب از برخی ابزارها مدد جسته‌ایم: ذکر مثال‌های ساده اما نسبتاً زیاد از قرآن کریم در ضمن بیان محتواهای علمی، تنظیم تمارین ساده، کاربردی و با حجم نسبتاً زیاد بعد از هر مبحث مهم، استفاده از ظرفیت‌های مشترک بین زبان فارسی و زبان عربی برای درک کاربردی و عینی از مفاهیم و قواعد زبان عربی و استفاده از مثال‌های متعدد فارسی برای تبیین تأثیرات معنایی مطالب و...

نظام‌مندسازی

پرهیز از تشتت و پراکندگی مطالب، سیاست دیگر ما در آموزش و نگارش مطالب بوده است؛ تشتتی که در کتابهای دیگر به ویژه کتب مرجع کم دیده نمی‌شود. معتقدیم مباحث ادبیات عرب به ویژه زبان عربی قرآنی، دارای نظام‌مندی ویژه و انسجام درخور است و در مباحث کتاب نیز باید به چشم بیاید. از این رو اموری مانند: بکارگیری ساختاری گویا و منظم در سرفصل‌ها و تقسیمات، نام‌گذاری گویای فصول و تقسیمات و استفاده از نمودارهای متعدد و جداول جهت جمع‌بندی و سامان‌دهی مطالب در ذهن مخاطب، سرلوحه کار ما در این کتاب بوده است. یکی دیگر از مظاهر این رویکرد، التزام به ذکر یک معنای محوری روشن برای هر یک از اوزان و پرهیز از ذکر معانی متعدد گیج‌کننده برای آنها بوده است.^۱

آنچه بیان شد جنبه‌های مهمی بود از رویکردهای ما در تدوین کتاب زبان وحی مقدماتی (که فی الجمله در کتاب زبان وحی متوسطه نیز مورد توجه است). در انتها لازم است چند نکته را نسبت به مدرسین گرامی متذکر شویم:

- با توجه به نو بودن برخی از مطالب و کمتر رایج بودن آنها، مستمراً نیاز بوده است مطلبی از جهت مبنایی، تبیین شده و برخی مستندات لازم برای آن ذکر شود. عمده این کار در پاورقی‌های کتاب زبان وحی متوسطه انجام می‌شود؛ اما در اینجا نیز در موقعیت‌های ضروری، استناد به منابع آمده و یا در صورت نیاز و یا وجود اقوال مشهور

۱. برای مثال در معانی ابواب، تنها معنای اصلی و محوری باب ذکر شده است. همچنین در بیان معانی نقش‌های جمله سعی شده است یک معنای واضح و روشن که در تمامی استعمالات جریان دارد، (بدون ذکر تفصیلات و حالات مختلف) مطرح شود؛ و...

دیگر، تبیین علمی و فنی‌تر در پاورقی انعکاس یافته است. گاه نیز پاورقی‌ها ناظر به استعمالات خاص و یا استثنائات قرآنی است که در متن نیامده، اما لازم بوده تذکر داده شود. به هر ترتیب، پاورقی‌های کتاب پر است از مطالبی که در وهله اول برای مربیان و مدرسین و اساتید می‌تواند مفید باشد. گرچه پاورقی‌ها برای کسانی که شنیده‌هایی از بحث‌های ادبی دارند و می‌خواهند بحث ارائه شده را با آنها تطبیق دهند نیز می‌تواند بکار آید.

- تمارین کتاب در سطح ساده و بعضاً متوسط هستند. در واقع در تمارین، جانب مخاطب مبتدی را نگه داشته و از طرح تمارین کمی سخت‌تر پرهیز نموده‌ایم؛ گرچه کسی که مطالب کتاب را با دقت مطالعه کند و بیاموزد، امکان حل برخی تمارین با درجه سختی بیشتر را نیز دارد. از این جهت مدرسین می‌توانند خود به تناسب مخاطبین، اقدام به طراحی تمارین مناسب کنند.

- در ذیل بسیاری از مباحث، مطالبی تحت عنوان «نکته» مطرح شده است. این مطالب مشتمل بر برخی استثنائات، فروعات و برخی حواشی مطلب است که دانستن آن برای مخاطب مفید محسوب می‌شود، اما معمولاً حذف آنها برای مخاطب کاملاً مبتدی، ضرری به اصل بحث وارد نمی‌کند.

- برای طراحی، تدوین و نگارش این مجموعه کتب، منابع متعدد و گسترده‌ای دیده و استفاده شده است: کتب مرجع صرف و نحو، کتب تفسیری، کتب علوم قرآنی، کتب اصولی، کتب لغت، برخی کتب زبان شناسی و برخی کتب تحولی معاصر در ادبیات عرب. اما در فهرست منابع، تنها به موارد اصلی و منابعی که به نحوی در کتاب به آن ارجاع داده‌ایم، اشاره شده است.

خدا را شاکریم که توفیق داد تا گام دیگری را در راستای هدف مهمی که بیان کردیم، برداریم. اگر او بخواهد کتاب زبان وحی متوسطه نیز پس از چندی روانه چاپ خواهد شد و امید داریم که پروردگار، شرایط را برای پیشبرد این هدف مهم و متعالی یعنی فراگیر شدن آموزش زبان قرآن بین عموم مردم، جهت فهم و تدبر در قرآن، فراهم کند. در پایان از تمامی خوانندگان گرمی تقاضا داریم که ما را از راهنمایی‌های خود محروم نگذاشته و نظرات تصحیحی و تکمیلی خود پیرامون کتاب و محتوای آن را در قالب رایانامه به آدرس tadabbor.quran@gmail.com ارسال نمایند.



شایسته است پس از به ثمر رسیدن تلاش‌ها در زمینه تدوین این کتاب، از استاد گرانقدر، حضرت حجت الاسلام و المسلمین محمد حسین الهی‌زاده عمیقاً سپاسگزاری کنیم؛ زیرا ایده این کتاب مرهون آشنایی ما با منظومه فکری-قرآنی ایشان است. همچنین خاضعانه قدردانی کنیم از استاد بزرگوار، جناب حجت‌الاسلام علی صبوحی که افتخار شاگردی ایشان را داشته و مباحث عمیقی از تدبر در قرآن را از ایشان آموختیم.

در نهایت مراتب تشکر خود را نسبت به همه کسانی که در طول مسیر تدوین و ویرایش قبلی و کنونی این کتاب به نحوی ما را یاری رساندند، ابراز می‌داریم؛ به ویژه فاضل ارجمند جناب حجت الاسلام عبدالرسول کشمیری، صاحب کتاب بدیع و خوش سبک «صرف کاربردی».

﴿وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^{یونس، ۱۰}

دوم آبانماه سال ۱۴۰۰ هجری شمسی

مصادف با ۱۷ ربیع الاول سال ۱۴۴۳ هجری قمری